

سفر به جنوب ایران

نوشته: آبرت هوتوم شیندلر
به کوشش و گزارش: حسین مسرت

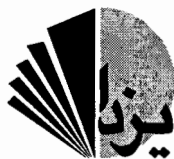


سفر به جنوب ایران



پیش‌کشی ناقابل به حضور

استاد سید عبدالله انوار، کتابشناس محبوب و فرزانه ایران



سازمان چاپ و نشر
گروه نشریات

سفر به جنوب ایران

نویسنده: آبرت هوتوم شیندلر
ترجمه: ناشناس

به کوشش و گزارش: حسین مسرت

سرشناسه	: شیندلر، آلبرت هوتوم Schindler, Albert Houtum
عنوان و نام پدیدآور	: سفر به جنوب ایران/نوشته آلبرت هوتوم شیندلر؛ به کوشش و گزارش حسین مسرت.
مشخصات نشر	: تهران : یزدا ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۵-۸۷۷-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: سفر
موضوع	: سفرنامه‌ها
موضوع	: Traveler's writings
موضوع	: ایران -- سیر و سیاحت -- قرن ۱۳ ق.
موضوع	: Iran -- Description and travel -- 19th century *
شناسه افزوده	: مسرت، حسین، ۱۳۳۹ - - گردآورنده
رده‌بندی کنگره	: DSR1۳۴۷
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۷۴۳۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۲۸۶۵۲

سفر به جنوب ایران

نوشته: آلبرت هوتوم شیندلر | ترجمه: ناشناس
به کوشش و گزارش: حسین مسرت

ناشر: یزدا با همکاری مرکز کرمان‌شناسی / چاپ نخست: آذر ۱۳۹۹ / قطع: وزیری /
تعداد صفحات: ۲۰۶ صفحه / آماده‌سازی قبل از چاپ: ماهنامه‌ی تفکر معماری /
واژه‌چین: مینا مسرت/چاپ و صحافی: یزدا / شمارگان: ۲۰۰ نسخه / بها: ۶۵۰۰۰ تومان /

ISBN: 978-600-165-877-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۵-۸۷۷-۸

دسترسی‌ها و گروه‌دسترسیات

دفتر نشر و نمایشگاه دائمی: تهران، سیدخندان، خیابان آرسباران، کوچه‌ی ستاری، شماره‌ی ۲۲،
ساختمان یزدا دورنگار: ۲۲۸۸۵۶۵۱ (۰۲۱) تلفن: ۵۰-۲۲۸۸۵۶۴۷ (۰۲۱)

توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱/۱۱ و همچنین قانون
ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب سال ۱۳۵۰ تمام حقوق این اثر به هر نحو برای نشر یزدا
محفوظ است. نشر و پخش تمام یا قسمتی از این کتاب بدون اجازه از ناشر، باعث پیگرد قانونی خواهد شد.

www.yazdamarket.com

خرید آنلاین:

<https://www.instagram.com/yazdamarket/>

اینستاگرام:

فهرست

۷	مقدمه
۹	پیش درآمد
۱۱	فهرست علائم و اختصارات
۱۳	دیباچه
۱۵	مقدمه
۱۷	اهداف این تصحیح
۱۷	مزیت‌های پژوهش حاضر
۱۸	یافته‌های پژوهشی
۲۳	تحلیل
۲۸	نتیجه‌گیری
۲۸	پیشنهادها و راهکارها
۲۹	محدودیت‌ها
۲۹	روش و چگونگی انجام کار
۲۹	گزارش نخست
۳۰	خلاصه کار روند انجام کتاب
۳۱	روش تصحیح
۳۳	روش تطبیق با متن آلمانی
۳۵	نگاهی به منابع
۳۷	درآمدی بر سفر به جنوب ایران
۳۹	اهمیت سفرنامه‌های فارسی
۳۹	ارزش سفرنامه‌ها

۴۰	سفرنامه‌های فارسی
۴۳	فهرست سفرنامه‌های دربارهٔ یزد
۴۴	اهمیت و ارزش سفر به جنوب ایران
۴۶	معرفی منابع و مقالات در زمینهٔ سفر به جنوب
۴۷	معرفی نسخه‌های خطی سفرنامه
۴۹	مستندات دربارهٔ نویسندهٔ سفرنامه
۵۱	کارنامهٔ زندگی و آثار آلبرت هوتوم شیندلر
۵۹	متن سفر به جنوب ایران
۶۱	[از کاشان تا اصفهان]
۶۴	[از اصفهان تا یزد]
۷۲	از یزد الی کرمان
۸۱	[از کرمان تا بندرعباس]
۹۳	[برگشت از بندرعباسی به کرمان]
۹۸	[از کرمان تا اصفهان و باز به کرمان]
۱۰۸	[از کرمان به یزد تا طهران]
۱۱۶	[از یزد تا طهران]
۱۱۷	واژه‌نامهٔ متن سفرنامه
۱۳۷	توضیح اعلام انسانی متن سفرنامه
۱۴۹	کتابنامه
۱۴۹	الف: کتاب:
۱۵۵	ب: مقاله:
۱۵۷	پیوستها
۱۵۹	ترجمهٔ سفر به جنوب ایران ۱۸۷۹ (بخش استان یزد)
۱۶۹	نمونهٔ چاپ به زبان آلمانی
۱۷۰	پیشینهٔ تلگراف در جهان و ایران
۱۷۱	کتابشناسی کتابهای تلگراف و تاریخچهٔ تلگراف در ایران
۱۷۴	نمونهٔ تلگرافهای قاجاری
۱۷۶	نام‌نامهٔ انسانی متن سفرنامه
۱۷۸	نام‌نامهٔ جغرافیایی متن سفرنامه
۱۸۷	تصاویر
۱۹۸	کارنامهٔ آثار حسین مسرت

مقدمه

خدا را سپاسگزارم که توفیق انتشار اثر دیگری از همشهری و همدیار فرزانه و پژوهشگر توانا، آقای حسین مسرت را نصیبم کرد تا پیوندهای دو سرزمین همیشه همراه و دو همسایه شرقی و غربی یعنی یزد و کرمان را بیش از پیش استوارتر کنیم. زیرا پیش از این نیز انتشار مجموعه های مشترک متعدد، مهر دل‌بستگی فرهنگی را بر صحیفه دوستی های این دو سرزمین زده بود، آثاری چون «فرماندهان کرمان» به پاس مهربانی های مشیرالممالک یزدی به شیخ یحیی احمدی و ...

اما در خصوص این اثر، ذکر دو نکته را بایسته می دانم، نخست اینکه بی گمان کسانی چون آلبرت هوتوم شیندلر، صاحب این سفرنامه، یا سرپرسی سایکس نویسنده «کتاب ده هزار میل در ایران» و ادوارد براون، مؤلف «یک سال در میان ایرانیان» و ... با هدف جاسوسی و استعمارگری به ایران آمدند، آن گونه که امروز و با بررسی مجموعه «گزارشهای محرمانه کنسولگری انگلیس در کرمان»^۱ صحت این موضوع کاملاً روشن می شود، با این همه «عیب وی جمله بگفتی، هنرش نیز بگو»؛ هر کدام از این افراد، مجموعه خاطرات، سفرنامه، و یا اثر تاریخی و سیاسی ای از خود برجای گذاشتند که گوشه های تاریک تاریخ ما را روشن می سازد، به طوری که امروز در موارد بسیاری از اظهار نظرهای آنها استفاده می کنیم و در صحت نوشته هایشان - دست کم در بخش گزارشها - تردیدی نداریم، زیرا این گزارشها به عنوان دولتهای شان تهیه و ارسال شده بود و می دانستند هرگونه اشتباهی بی پاسخ نمی ماند.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت، به کارگیری تمامی تلاش و همت کسانی است که از

۱- این مجموعه که نخستین جلد آن با عنوان «به رنگ کویر» و با تصحیح و تحشیه نگارنده و نیز مجید نیکپور توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده، بخشی از این واقعیتها را به تصویر کشیده است. این مجموعه ۱۵۰۰۰ برگه قریب ۳۰ جلد خواهد شد که جلد دوم آن نیز آماده چاپ است.

سوی کشورهای بیگانه ای چون انگلیس، مأمور انجام خدمت در ایران می‌شدند، به عنوان نمونه، «لوریمر» به عنوان کنسول و طبیعتاً کار سیاسی به ایران می‌آید، اما در کرمان، هم وظیفه اصلی خود را انجام می‌دهد و هم زبان فارسی و گویش کرمانی را فرا می‌گیرد و هم به جمع آوری فرهنگ مرم کرمان می‌پردازد و اثری از خود برجای می‌گذارد که هنوز بعد از صد و چند سال به عنوان یکی از منابع معتبر مورد استفاده بوده و اخیراً توسط مرکز کرمان‌شناسی تجدید چاپ شده است و با همین شیندلر که بی‌گمان دولت متبوع او جز سیم کشی خطوط تلگراف، وظیفه دیگری برایش تعریف نکرده بود، اما او با دلبستگی هرچه تمام‌تر، با همه خستگی کار روزانه، شب هنگام به نوشتن خاطرات و بیان دیده‌ها و شنیده‌ها می‌پردازد و چنین اثری از خود به یادگار می‌گذارد، ای کاش ما نیز مسئولیت‌ها را از اینان بیاموزیم و به همان اندازه، دلبسته واقعی زادگاه و سرزمین عزیزمان باشیم. نکته دیگر اینکه، انگلیس‌ها که در روزگار قاجار همه کاره جنوب ایران بودند، برای تلگراف، جایگاه ویژه‌ای قائل شدند، به طوری که رؤسای تلگرافخانه‌ها را حتماً کنسول انتخاب می‌کرد، و در سفر به هر شهری در خانه رئیس تلگرافخانه منزل می‌گزد و عجباً که حکام وقت در این مورد، کمترین عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دادند. کار این رسوایی به جایی رسیده بود که امروز و بعد از یکی دو قرن، انگلیس‌ها مجبور شدند، شرمندگی خود را بیان کنند، آن گونه که اخیراً «ماکلوم ریفکیند» در مجلس عوام انگلیس به گوشه‌هایی از این خیانتها و دخالت بی جا در کار ایران اشاره و صراحتاً این کار را محکوم کرده است.^۲

البته در این میان، گناه بی فرهنگی و بی سوادی مردم آن روزگار را نباید از نظر دور داشت؛ مثلاً همین شیندلر در جایی نقل می‌کند که در فلان شهر، وقتی مردم شنیدند من آمده‌ام، صف کشیدند تا بایند و ببینند که فرنگی‌ها چه شکل و قیافه ای دارند و آیا با ما خیلی فرق می‌کنند؟ تردید ندارم که این اثر همان گونه که پیش از این بوده - با استقبال علاقه مندان تاریخ و فرهنگ قرار خواهد گرفت به ویژه اینکه مدت‌ها تحقیق و پژوهش و نیز تصحیح و تحشیه تاریخ نگار گران قدر، حسین مسرت را از پی داشته و از اندیشه‌های روشن ایشان نیز مایه گرفته است. برای این فرهیخته و سایر عزیزان دست اندر کار نشر و توزیع این اثر، عزت روزافزون آرزو دارم. از آقای محمدحسین دهقان، مدیر نشر یزدا هم که اهتمام به نشر این اثر کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

سید محمدعلی گلابزاده

سرپرست بنیاد ایران شناسی - شعبه کرمان

و مدیر مرکز کرمان شناسی

۱- در این روزگار، شمال ایران، سهم روسیه بلشویکی و جنوب ایران، سهم دولت فحیمه انگلیس شده بود که دوستانه این سرزمین را چپاول می‌کردند. البته آلمانها هم به عنوان نیروی آزاد، به هرجا سرکی می‌کشیدند و دستی می‌رساندند و مردم ساده دل نیز، شاهان آنها را «حاجی ویلهلم» می‌خواندند. (نک: گلابزاده، ۱۳۹۳، نام‌ها و لقب‌های جالب در تاریخ کرمان، ص ۵۷)

۲- روزنامه اطلاعات، شنبه، اول اردیبهشت ۱۳۹۷، ص ۱۶.

پیش درآمد

کتاب که پیش روست، تصحیح و چاپ «سفر به جنوب ایران» نوشته آلبرت هوتوم شیندلر است. آرزویی که بیش از سی سال از آن می‌گذرد؛ از روزی که نخستین بار نگارنده در سال ۱۳۶۶ نام آن را با عنوان «سفرنامه یزد» در فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران دید، تا روزی که در سال ۱۳۶۷ به تهران رفته و نسخه خطی آن را در کتابخانه ملی ملک در بازار بین‌الحرمین مشاهده کرد، و تا زمانی که اندک اندک، تصویر دو نسخه آن گرفته و به پژوهش در محتوی آن دست زده شد و در سال ۱۳۶۹ بخش یزد آن در هفته‌نامه ندای یزد چاپ گردید. در همان سال‌ها که این آرزو پخته می‌شد، تصحیح اولیه‌ای از آن انجام شد. اما به مانند بسیاری کارها به کناری نهاده شد تا اینکه فرصت درس آموزی در رشته نسخه خطی بنیاد ایران‌شناسی در تهران فراهم گشت، ازینرو تصحیح این کار به عنوان رساله پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دستور کار قرار گرفت و در بهمن ۱۳۹۶ با بیشترین نمره دفاع شد. اینک آن کار با دگرگونی بسیار در هیئت این کتاب به چاپ می‌رسد؛ و هم چنان نگارنده در این آرزوست که فرصتی به دست آورد که مسیر پیموده شده نویسنده را از آغاز تا به پایان بپیماید و کاری بسامان را در دسترس پژوهشگران بگذارد.

برای این سفرنامه بخش‌هایی چون توضیح: گروه‌ها، ایل‌ها و طایفه‌ها؛ و اعلام جغرافیایی و برخی نام‌های خاص در نظر بود که آن را به فرصت و چاپ دیگری موکول نمود. فصلی نیز با عنوان: «بررسی تاریخ اجتماعی یزد در عصر قاجار» به پیشنهاد مدیرگروه آموزشی بنیاد ایران‌شناسی در پایان نامه جای داشت که چون کتاب «سفر به جنوب ایران» مربوط به سرزمین‌های گسترده‌ای از ایران بود و تنها شامل حال یزد نمی‌شد، به کناری نهاده شد و در کتابی با عنوان: «چکیده تاریخ فرهنگ و ادب

یزد در عصر قاجار» باز چاپ گردید.

نگارنده وظیفه خود می‌داند که از تمامی کسانی که در راه تصحیح و تدوین این کتاب از آغاز تا پایان، یاریگر نگارنده بودند، تشکر کند. به ویژه از سرکار خانم دکتر افکاری، مدیر گروه نسخه‌شناسی بنیاد ایرانشناسی و جنابان آقایان: استاد سیدعبدالله انوار و دکتر سعید میرمحمد صادق که مفاد کتاب را در زمانی که به صورت پایان نامه دانشگاهی بود به دقت از نظر گذراندند و نکات خوبی را یادآور شدند، آقای دکتر علی‌اکبر تشکری بافقی، استاد تاریخ دانشگاه یزد که مشاوره‌های خوبی دادند؛ آقای مسعود بهجو که بخش استان یزد کتاب سفر به جنوب ایران ۱۸۷۹ را از زبان آلمانی به فارسی برگرداند؛ مدیران بخش نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ملی ملک و مجلس شورای اسلامی؛ آقای پیام شمس‌الدینی که نکته‌هایی مهم را گوشزد کرد و نیز افراد مطلعی از شهرهای گوناگون ایران که در مسیر این سفرنامه بودند و با توضیحات راه‌گشایانه خود، زمینه تصحیح این سفرنامه را فراهم کردند. هم‌چنین از آقایان سید محمدعلی گلاب‌زاده، مدیر مرکز کرمان‌شناسی و محمدحسین دهقان طرزجانی، مدیر نشر یزدا که پذیرای چاپ آن در سلسله انتشارت خود شدند. آقای قاسم حسنی، مدیر تولید نشر یزدا که طرح جلد کتاب را به خوبی نقش زدند، آقای ابوالفضل مرشدی که کار صفحه‌آرایی را برعهده داشتند و سرانجام دخترم مینا مسرت که زحمت حروف‌چینی کتاب را کشید. تصاویر پایان کتاب، دستاورد کوشش آقای گلاب‌زاده است.

هرچه خوبی راستی است از این دوستان و هرچه کژی و کاستی است از این خار بن بوستان است.

امید که خوانندگان با نکته‌سنجی خود نگارنده را در دسترسی به کتابی جامع‌ی‌آور باشند. که گفته‌اند:

هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

یزد - آذر ۱۳۹۹

حسین مسرت

hmasarrat@yahoo.com

فهرست علائم و اختصارات

ر.ک: رجوع کنید

سایبانی: سفرنامه تلگرافچی به کوشش سایبانی

ش: شمسی

ف: فوت

ق: قمری

م: میلادی

مج: نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مل: نسخه خطی کتابخانه ملک

منشی: جغرافیای کرمان ، نوشته منشی

ن.ن.ک: نیز نگاه کنید

و: ولادت

وزیری: جغرافیای کرمان، نوشته وزیر

۱

دیباچہ

مقدمه

پیشینه نگارش سفرنامه‌های فارسی همچون پیشینه تاریخ پرفراز و نشیب ایران و جهان، دراز دامن است، چون این سفرنامه‌ها در حکم یادداشت‌های خصوصی بوده که کسی همت به تکثیر و رونویسی از آن نمی‌کرده است، ازینروست که با نابودی نسخه اصلی، بسیاری از آگاهی‌های خوب تاریخی و اجتماعی نیز از میان می‌رفته است و به همین دلیل است که تعداد سفرنامه‌های به جا مانده از دوران گذشته، بسیار است، اما خوشبختانه با پیدایی صنعت چاپ، این گونه کتاب‌ها هم به چاپ سپرده شدند. یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران که سفرنامه‌های فراوانی از آن بر جای مانده، دوره قاجار است که هنوز بسیاری از سفرنامه‌های دست نویس آن در کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد و عزمی می‌طلبید که آنها را با دید انتقادی تصحیح کنند.

سفرنامه‌ها به غیر از آنکه یکی از انواع ادبی فارسی به شمار می‌روند، در بردارنده آگاهی‌های سودمند و یگانه‌ای درباره شهرها و روستاها هستند که جز در این نوع کتاب‌ها، جای دیگری نمی‌توان سراغی از آنها جست. چه بسیاری از سفرنامه‌هایی که تنها اثر باقی مانده درباره یک مکان هستند؛ شهرهایی که در طول تاریخ زیر و زبر گشته و اسیر تندباد حوادث شده‌اند.

در ارزش و اهمیت سفرنامه‌ها همین بس که به عنوان معتبرترین سندهای اجتماعی و تاریخی مورد استفاده کلیه پژوهندگان تاریخ اجتماعی، سیاسی و جغرافیای تاریخی قرار می‌گیرد. با اینکه قرن‌ها از نگارش سفرنامه ناصرخسرو می‌گذرد، هنوز از این کتاب به عنوان معتبرترین سند اجتماعی قرن پنجم که بازگوینده دقائق زندگی مردم آن زمان است، یاد می‌شود.

نویسنده سفرنامه در نوشتن سفرنامه هیچ دلبستگی نسبت به آنچه که در مسیر می‌بیند، ندارد؛

چونان چشمی دقیق همه چیز را ژرف می‌نگرد و در اندیشهٔ اینکه کسی را خوش بیاید یا بد بیاید هم نیست، او در نگارش یادداشت‌هایش است صادق است، نکته‌هایی را بیان می‌کند که کمتر در کتاب‌های تاریخ همان دوران آمده است.

سفرنامه‌نویس، از اوضاع پیرامون خود تصویر دقیقی به دست می‌دهد، شیوهٔ پوشش، بهای ارزاق، جمعیت، آداب و رسوم، خصائل روحی و اخلاقی و غیره. حال اگر نویسنده دارای دانش‌های روز مانند: جغرافیا، زمین‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره باشد، محصول کار به نهایت سودمند است. سفرنامه‌نویسان که عمدتاً انسان‌های آگاه، دنیا دیده و بعضاً کارشناس هستند با نگرشی ژرف و ریزبین به بیان اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها و شهرهایی که از آن دیدار کرده‌اند، می‌پردازند و در این راه، مأخذی سودمند برای نگارش تاریخ آن جایگاه بر جای می‌نهند. یکی از این سفرنامه‌ها، سفرنامهٔ فردی فرنگی است که به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۹م (برابر ۱۲۹۶ق)، مأمور کشیدن سیم تلگراف از تهران تا بوشهر بوده است و بنا به گفتهٔ ایران شناس نامی، ایرج افشار: «قسمت عمدهٔ این رساله به وصف شهرها و مردم اختصاص دارد که بسیار جالب توجه است.» (افشار، ۱۳۴۴، ج: ۱، ۲۳۷)

نویسندهٔ این سفرنامه فردی جامعه‌شناس، جغرافیدان، زمین‌شناس، سیاستمدار و نظامی بوده است؛ از اینرو در این کتاب آگاهی‌های در خور توجهی را از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و جغرافیایی مسیر خود می‌دهد. در نسخه‌های خطی موجود نام نویسنده نیامده است؛ اما نگارنده پس از بررسی کلیهٔ سفرنامه‌های خارجی بر پایهٔ قراین در دست و تاریخهای مندرج در آن و سفرنامه آلمانی چاپ شده با نام «سفر به جنوب ایران، ۱۸۷۹» در شهر برلین به سال ۱۸۸۱م که در مقدمهٔ بدان اشاره خواهد شد، بدین نکته دست یافت که نویسندهٔ آن آلبرت هوتوم شیندلر (۱۸۴۶ - ۱۹۱۴م)، ایرانشناس برجستهٔ انگلیسی و همان نویسندهٔ سفرنامهٔ خراسان است و این سفرنامه توسط شخصی دیگر به فارسی تقریباً روان ترجمه شده است.

تصحیح ترجمهٔ یکی از این سفرنامه‌ها که با نام اصلی «سفر به جنوب ایران ۱۸۷۹» به زبان آلمانی چاپ شده است؛ در ایران با دو نام گوناگون در کتابخانه‌های ملی ملک و مجلس شورای اسلامی وجود دارد و متعلق به یکی از افسران انگلیسی اتریشی تبار مأمور کشیدن خط تلگراف بین تهران تا بوشهر است، مبنای نگارش کتاب حاضر است که سعی می‌شود با تصحیح انتقادی و درج واژه‌نامه و توضیحات بایسته در بارهٔ اعلام انسانی؛ پژوهشی ویژه انجام گیرد.

نگارنده قصد دارد تصحیح و نقد این سفرنامه را بر پایهٔ دو نسخهٔ خطی موجود در کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی به شمارهٔ ۷۰۰ و کتابخانهٔ ملی ملک به شمارهٔ ۶۲۸۷ موجود است، انجام دهد. با یادآوری اینکه، یکی به نام «سیاحت نامه» (اعتصامی، ۱۳۱۱، ج: ۲، ۴۴۴) یا «سفرنامهٔ قم و کاشان و یزد و کرمان و خلیج فارس» است و دیگری به نام «سفرنامهٔ یزد» آمده است. (افشار،

(۱۳۶۱، ج ۳: ۴۶۸-۴۶۷).

استاد ایرج افشار، پژوهنده نامی متون قاجاری در چهار مأخذ گوناگون به نیکی از این سفرنامه یاد کرده است:

- ۱- مجله جهان نو (ج ۳، سال ۱۳۲۷: ۲۹۷-۲۹۹)
- ۲- سواد و بیاض (ج ۱: ۲۳۷)
- ۳- فرهنگ ایران زمین (ج ۱۹، سال ۱۳۵۲: ۱۸۲)
- ۴- یادگارهای یزد (ج ۱: ۶۷۲)

اهداف این تصحیح

کتاب حاضر می‌کوشد تا بر پایه پژوهش‌های انجام شده، به اهدافی چند دست یابد: شناخت تاریخ اجتماعی و فرهنگی برخی از شهرهای جنوب بویژه یزد در عصر قاجار از طریق تصحیح و شناخت متن سفرنامه.

آگاهی از ورود ابزار جدید اطلاع رسانی به شهرها (بویژه تلگراف) و نحوه ارتباط روستاها با شهرها در عصر قاجار.

- اهمیت سوق الجیشی ایران در عصر قاجار و دیدگاه بیگانگان نسبت به آن.
- بررسی نقش تلگراف در ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه.
- روابط نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی با مردم.
- طرز معیشت و نحوه گذران زندگی مردم.

و شاید پاسخی برای این پرسش‌های خود بیابد:

- ۱- مردم ایران، بویژه شهرهایی که نویسنده در طول مسیر خود دیده، در چه شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی می‌کردند؟
- ۲- نگرش مردم نسبت به وسایل جدید ارتباطی چه بوده است؟
- ۳- مؤلف این سفرنامه بر اساس مستندات تاریخی و کتابشناسی چه کسی است و چه اهدافی داشته است؟

مزیت‌های پژوهش حاضر

الف) سعی شده است تصحیح آن علمی، انتقادی و مطابق با اصول پذیرفته شده کنونی و مورد تأیید مصتحان زبده کشور باشد.

ب) پیش‌تر کتاب «سفر به جنوب ایران» به نام «سفرنامه تلگرافچی» تنها بر پایه نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی و با اشتباهات چاپی سهوی و غیر سهوی به دلیل اتکاء به یک نسخه و بدون توضیحات، تعلیقات و مقدمه چاپ شده بود، و بار دیگر هم با نام «سفرنامه بحرین»، باز بدون شرح و توضیح و مقدمه و مؤخره و دیگر بایسته‌های یک کار تصحیحی چاپ شده بود. اما اکنون

این تصحیح بر پایه دو نسخه خطی که تاکنون شناخته شده، همراه با مقدمه در شناخت نویسنده، تاریخ نگارش، ارزش و اهمیت و توضیح اسامی متن و واژه‌ها و غیره انجام گرفته است.

ب) نویسنده سفرنامه که در نسخه‌های خطی موجود گمنام بود، پس از پژوهش‌های موشکافانه و مطابقت با متن آلمانی کتاب و سنجش با سفرنامه خراسان اثر شیندلر شناسایی شد. زیرا در سفرنامه خراسان همچون سفر به جنوب ایران؛ کتاب، منزل به منزل تقسیم شده است و اصطلاحات و موارد آمده یکسان است.

ت) گفتارهای چندگانه‌ای در زمینه ارزش و اهمیت کتاب؛ یافته‌های پژوهشی و توضیح اعلام انسانی آن، گردآوری و سامان داده شد.

ج) بخشی از ترجمه متن آلمانی کتاب برای تأیید نظر نگارنده در زمینه انتساب آن به شیندلر درج شد.

چ) پس از مطابقت با متن آلمانی روشن شد که ترجمه فارسی حاضر، تحریر یا بازنوشتی از متن اصلی است که به احتمال زیاد توسط مترجم صورت گرفته است.

ح) رسم الخط متن سفرنامه و کتاب بر پایه دو کتاب دستور خط فارسی و فرهنگ املائی خط فارسی، نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی نگارش یافته است.

خ) با مراجعه به فرهنگ‌ها و کتاب‌های تاریخی و نیز آشنایان محلی، بسیاری از اطلاعات و نام‌های نادرست، تصحیح شد.

یافته‌های پژوهشی

(بررسی نکات کتاب‌شناسی و متن‌شناسی ترجمه و تصحیح موجود)

رد پای مترجم:

۱- ترجمه موجود تا حدودی تحت اللفظی بوده و عیناً صورت نگرفته است و مترجم به سلیقه خود، بویژه در زمان نام بردن از امامان معصوم (از عبارت علیه السلام)، حاکم، شاه (از عبارت خلدالله الجته/ نورالله مرقده) و والی با عبارات دعایی و غلوآمیز همراهی می‌کند و ذیل یزد می‌نویسد: «روز آخر ماه مبارک وارد شدیم» و گاهی انشاءپردازی می‌کند، مثلاً ذیل احمدی می‌نویسد: «چند بلبل در سر درخت به توحید و شکر الهی مشغول نغمه‌سرای بودند». ذیل جزیره هرمز می‌آورد: «تا روزی که پیک اجل و فراش مرگ، گریبانش را بگیرد». ازینرو می‌توان متن موجود را ترجمه آزاد نام گذاشت.

ایرج افشار بر این باور است که: «از لحن و طرز نگارش آن بر می‌آید که شخص انگلیسی مطالب خود را بیان کرده و منشی ایرانی به قلم آورده است». (افشار، ۱۳۴۴، ج: ۱، ۲۳۷)

۲- مترجم که گویا از مترجمان اداره دارالتراجمه ناصری باشد، به زبان فارسی تسلط کاملی نداشته است. حذف افعال بدون قرینه بوده است و بسیاری جاها ضعف تألیف و در حقیقت ضعف ترجمه

دیده می‌شود. برخی افعال هم ناقص آمده است. خودداری می‌نویسد: «مؤلف نثری مشوش دارد که به محاوره بسیار نزدیک است. از دیگر ویژگیهای متن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استفاده از جملات کوتاه، حذف بی‌مورد افعال، استفاده از افعال ماضی و مضارع در جملات همزمان، استفاده نادرست از لغات عربی، شواهد منظوم ضعیف و سست، پیش و پس ساختن ارکان جمله و غیره» (شیندلر، ۱۳۹۱: ۷۷)

روشنی زعفرانلو در دیباجه سفرنامه خراسان می‌نویسد: «مؤلف خود به دقایق زبان فارسی وارد نبوده و احتمالاً رساله را به یکی از زبان‌های اروپایی نوشته و دیگری آن را ترجمه کرده است و منتهی مترجم هم متأسفانه به زبان فارسی تسلط نداشته است.... اظهارنظرها و اطلاعات تاریخی مؤلف غالباً صحیح نیست، بخصوص در باره امامزاده‌ها... این کتاب از لحاظ انشاء و ادب هیچ‌گونه امتیازی ندارد... بلکه اطلاعات تاریخی و اجتماعی آن مورد نظر بوده است... علاوه بر اینکه از نظر ادبی در سطح خیلی پایینی است، از جهت زبان فارسی معمول و عادی هم خالی از نقص و اشکال نیست». (روشنی زعفرانلو، ۱۳۵۶: ۱۷ و ۱۸)

که عیناً این موارد در زمینه سفرنامه حاضر نیز درست است.

۳- بسیاری از نام روستاها را مترجم از روی متن بازنویسی کرده و به فرهنگی هم مراجعه ننموده است و از اینرو هرآنچه به گوش نویسنده رسیده، ضبط شده است. مانند: ماهی‌آباد که در حقیقت محی‌آباد بوده است. و کشم (قشم) و غیره در بسیاری موارد هم ضبط نام‌ها به گویش بومی است، مانند: مارون (ماران) نیون(نیان) // کل قاضی (قلعه قاضی) و غیره.

۴- اشعاری در متن آمده که روشن نیست از نویسنده یا مترجم است. مانند شعر درباره مردم هرنند یا مردم نائین یا روستای عقدا. افشار در فرهنگ ایران زمین، ذیل هرنند نوشته است: «این اشعار معلوم نیست که در اصل بوده یا مترجم اضافه کرده است». (شیندلر، ۱۳۵۲: ۱۸۹)

۵- مترجم ذیل قهپایه واژه «شهریتی» را آورده که در فرهنگ‌ها نبود. و برخی واژه را که برابر فارسی آن نمی‌دانسته به همان صورت آورده است. مانند: سنگ تر تور. کلیک اودی و غیره. و نیز برخی نام‌ها را با تلفظ فرنگی می‌آورده است. مانند: پورتگال، عثمانلو و هلندیس و از مقیاس‌های فرنگی استفاده کرده است. مانند: گره.

۶- ایرج افشار حدس زده که است شاید راوی می‌گفته و نویسنده یا مترجم ایرانی تقریر می‌کرده است. ازینرو برخی جاها جمله‌ها فعل فرد دارد و برخی جمع. یا اینکه اصطلاحات فارسی را آورده است. مانند: یک میدان برای مساحت که در متن آلمانی به جای آن چسبیده است.

دیگر یافته‌ها:

۱- رسم الخط قدیم در کتاب وجود دارد. مانند: /، جهه، نصره، نعمه، قیمه/ اسمعیل به جای اسماعیل. پله‌کان به جای پلکان. / ادغام «های» غیرملفوظ: چشمها به جای چشمه‌ها/ پشها

به جای پشه‌ها/ خانهای به جای خانه‌های/ خرابها به جای خرابه‌ها/ بچه‌ها به جای بچه‌ها/ تپه‌ها به جای تپه‌ها/ سرکرده‌ها به جای سرکرده‌ها./ جزیره‌ها به جای جزیره‌ها./ کوچهای به جای کوچ‌های./ عملجات به جای عمله جات/ قلها به جای قلها.

۲- محتوای سفرنامه نشان می‌دهد که نویسنده با اطلاعات قبلی به این سفر دست زده و به غیر از برخی سفرنامه‌ها مانند مارکوپولو که ذیل منزل بافت یاد می‌کند یا ابن بطوطه که ذیل بندر عباسی آمده است، از کتاب‌های تاریخی هم که خوانده مانند: رخداد جنگ محمود افغان در گلناباد اصفهان نقل می‌کند.

۳- محتوای سفرنامه گواهی می‌دهد که نویسنده به غیر از یاداشتهای روزانه. یک بار هم بر پایه آن کتاب را بازنویسی کرده است. زیرا در برخی جایها به جای اینجا از واژه آنجا بهره برده است. یا مثلاً ذیل آقا سیدعباس مجتهد در کرمان می‌نویسد: «چند مرتبه با ایشان ملاقات افتاد ... گویا حالا در طهران تشریف دارند.»

۴- وی در باره مکان‌های این سفر تحقیق کرده و سفرهای قبلی هم داشته است. مثلاً ذیل نام برخی جایها مالیات سال قبل و پانزده سال قبل و ده سال قبل را هم اشاره می‌کند، مثل رودبار. معلوم است که بارها این مسیر را آمده است. چنان که ذیل انار می‌گوید: سه بار از آنجا گذشته و یا ذیل بوشهر می‌گوید: دو و نه سال قبل آمده است.

۵- شیندلر به غیر از آنکه یک جغرافی‌دان بوده و تمام راه‌ها را با مسافت دقیق نوشته است، یک زمین‌شناس هم است و مثلاً ذیل راه بُر می‌نویسد: در این کوه‌ها فلزات زیاد پیدا می‌شود. مس و سرب و آهن فراوان است. ذیل جوزم و سیرج می‌آورد: در کوه نصر یا قصر مس دارد. و یا ذیل فیض آباد می‌آورد: قلّه از سنگ گرانبست است و در دامنه کوه، فلزات زیاد پیدا می‌شود مخصوصاً سرب و آهن و مس. ذیل شهرباک آورده است: جمیع کوه‌های این اطراف، مس دارند. و یا گیاه‌شناس است. زیرا به خوبی درباره گیاهان و درخت‌ها و رستنی‌ها توضیح می‌دهد و حتی اصطلاحات محلی آن را نیز می‌آورد.

۶- کاربرد آن به جای او: با اینکه سواره و تفنگچیان از گذشتن آن خبر داشتند، نتوانستند او را دستگیر کنند.

۷- شیندلر با تجهیزات کامل به این سفر دست زده است. زیرا در همه جا مسافت‌ها را تقریباً دقیق بیان کرده و حتی میزان درجه آب گرم چشمه‌ها را مشخص کرده است. ذیل فیض آباد و ...

۸- هیچ کدام از نسخه‌ها علامت سجاوندی آن روزگار، حتی نقطه پایان جمله را ندارند.

۹- در نسخه خطی مجلس شورای اسلامی همه جا به جای «الله» واژه «اله» است.

۱۰- بی‌گمان نسخه خطی کتابخانه ملک از روی نسخه‌ای نوشته شده، زیرا در بازخوانی هر جا جمله‌ای را از قلم انداخته، در حاشیه نوشته است.

۱۱- در نسخه‌ها به استثنای یک مورد، همه جا بندرعباسی آمده است.

- ۱۲- ایرج افشار ذیل کاروانسرای زین‌الدین نوشته که از تاریخ آمده در متن، قدیمی‌تر است. (شیندلر، ۱۳۵۲: ۱۹۸)
- ۱۳- ذیل بایندران، این توضیح افشار در فرهنگ ایران زمین آمده است: بهادران هم گفته می‌شود. (همان: ۱۹۹) و در یادگارهای یزد هم چنین افزوده است: «نام این آبادی در تلفظ محلی باندرن است و در قباله و نقشه: بهادران. (افشار، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۶۷۸)
- ۱۴- افشار ذیل حاجی سیار نوشته است: تصوّر می‌شود که حاجی ستیاح، مراد باشد. (شیندلر، ۱۳۵۲: ۲۱۱)
- ۱۵- عباس سایبانی ذیل احمدی نوشته است: پسته در احمدی وجود ندارد و شاید مراد از پسته، درخت سه پستان باشد که در آن حدود به همین نام و نیز به نام (انبو) نامیده می‌شود. (همان: ۲۱۹)
- ۱۶- سایبانی ذیل کشکوه و دریاچه آن می‌نویسد: از دریاچه مراد، همان است که در محل به بند نخل شهرت دارد و بند در واقع کُرت بسیار بزرگی است که در آن تعدادی نخل وجود دارد که برای نگهداری آب دور نخل‌ها کشیده می‌شود. (همان:، ۲۲۱)
- ۱۷- سایبانی ذیل ارگ بندر عباس می‌نویسد: عمارت گمرک فعلی بندرعباس روبروی اسکله قدیم. (همان: ۲۲۳)
- ۱۸- افشار ذیل بندرعباس و نام احمدخان می‌نویسد: علی الظاهر، مراد حاجی احمدخان سرتیپ، پدر سدیدالسلطنه کبابی است. (همان: ۲۲۴)
- ۱۹- افشار ذیل نورآباد و تولّد پادشاه و سلامتی ملکه انگلیس می‌آورد: دلالت بر اینکه نویسنده انگلیسی است. (همان: ۲۳۱)
- ۲۰- افشار ذیل مَشیز و پیرجاسوس می‌نویسد: من در محل، پیر جارسوز شنیدم. (همان: ۲۵۱)
- ۲۱- افشار ذیل وجه تسمیه عقدا در ردّ نظر نویسنده نوشته است: «دلیل رد کردن، مبتذل‌تر از خود وجه تسمیه‌پردازی است!» (افشار، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۶۷۳)
- ۲۲- نادرستی‌های املائی هم در متن نسخه‌ها دیده می‌شود. مثل: زرع به جای ذرع/ اقتراع به جای اقتراح/ کاهور به جای کهورا/ همزه به جای حمزه/ نهار به جای ناهار/ ازدهام به جای ازدحام/ جسته به جای چته/ خواست به جای خاست و ده‌ها مورد در زمینه نام‌های جغرافیایی.
- ۲۳- شیندلر در متن سفرنامه دوجا از بی‌ادبی مردم یزد و نائین نسبت به فرنگیان می‌گوید که این بی‌اعتنایی یا ریشه در اعتقادات سخت‌مذهب مردم آن دو سامان دارد یا نشان از کینه‌ای دارد که از بیگانگان و متجاوزین خارجی در دل داشتند. خوداری در این باره می‌نویسد: «از آنجایی که این خطّ تلگراف از ابزارهای استعماری انگلیس برای تسلّط بر هند و افغانستان و ایران بود، علمای برخی شهرها همکاری با اجانب را تحریم کرده بودند و اقامتگاه یا خانه برای تلگرافخانه و

- اسب و کارگر در اختیار او قرار ندادند. به همین دلیل مؤلف در یزد و نائین شدیداً ناراحت است و با اباطیلی، مردمان آنجا را مورد نکوهش قرار می‌دهد. (شیندلر، ۱۳۹۱: ۷۸)
- ۲۴- ذیل شهر بابک: خانم حسینی موسایی می‌گوید که برخلاف نوشته شیندلر، آلاله را داخل ماست نمی‌ریزند، بلکه دم می‌کنند و آنچه داخل ماست می‌ریزند، کنگر است.
- ۲۵- درباره وجه تسمیه نائین، رسول زمانی نائینی می‌گوید: نائین از نی آمده است: نای این. نی این. مثل نیستانک که در چند فرستگی نائین است. نائین هم در کنار دریاچه بوده که در زمان رسول الله خشک شده است. نيزار هم بوده است.
- نظر دیگر این است که برخی گویند «نوایین» بوده است، زیرا کورش، مسیحیها را در اینجا جای داده (کورش کجا و مسیحیها کجا) و مردم به آنها نوایین می‌گفتند. حتی در انجیل لوقا هم واژه نائین آمده است.
- ۲۶- خالدآباد با ده‌باد اکنون روی هم با درود شده است.
- ۲۷- درباره جنگ گلناباد رجوع شود به کتاب سقوط اصفهان، از چند نویسنده مختلف.
- ۲۸- درباره آبادیهای اصفهان رجوع شود به کتاب فرهنگ جامع نام‌ها و آبادیهای کهن اصفهان، اثر محمد مهربار و کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان، اثر محمدمهدی اصفهانی و سفرنامه صفاء السلطنة نائینی و مقاله «سفرنامه‌های قاجاری» در کتاب میراث اسلامی ایران.
- ۲۹- درباره رجال عصر قاجار، بهترین مأخذ، دوره کتاب «شرح حال رجال ایران» اثر مهدی بامداد است.
- ۳۰- در باره داستان کوه باز نطنز، حسن نراقی در کتاب آثار تاریخی کاشان و نطنز مفصلاً توضیح داده است.
- ۳۱- مورچه خورت در گویش محلی بدان مورچه‌خوار می‌گویند.
- ۳۲- درباره کاروانسراها و رباطهای ایران بنگرید کتاب «کاروانسراهای ایران» نوشته ماکسیم سیرو.
- ۳۳- درباره مسجد جامع نطنز رجوع شود به کتاب آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز. درباره منار ر. ک، ص ۲۸۲-۲۸۳ / درباره کاروانسرای گبرآباد ر. ک، همان، ص ۲۲۵-۲۲۶ و ۲۵۰ / درباره وجه تسمیه گبرآباد ر. ک، همان، ص ۲۲۵-۲۲۶.
- ۳۴- کاروانسرای عباسی نائین اکنون خراب شده و دبیرستان شده است. چاپارخانه هم در کنار آن است.
- ۳۵- کوه دم در نزدیکی کوه جوزم است در قدیم از دهانه آن بخاری خارج می‌شده است به همین دلیل به آن کوه دم می‌گفتند. در نزدیک این کوه آثار چند دخمه وجود دارد. / کوه سرم اکنون به کوه سرا معروف است / مسجد شهر کهنه را اکنون مسجدالنبی می‌گویند. در جنوب شهر بابک معدن سرب و روی وجود دارد، ولی معدن سنگ سمباده را کسی نشنیده است. (زهره حسینی موسایی)

۳۶- این سفر به دستور ناصرالدین شاه بوده و از ۱۶ ژانویه ۱۸۷۹م (برابر ۲۲ محرم ۱۲۹۶ق و ۲۵ دی ۱۲۵۷ش) از تهران آغاز شده و مدت ۱۱ ماه طول کشیده است. ایرج افشار در دوجا تاریخ این سفر را سال ۱۸۷۷ دانسته است (افشار، ۱۳۴۴، ج: ۱، ۲۳۷، و ذیل پاورقی بحرین در فرهنگ ایران زمین، شیندلر، ۱۳۵۲: ۲۲۷) که با مطابقت با متن آلمانی روشن شد که اشتباه کرده است. ولی افشار در یکجا به درستی نوشته است: «در سال ۱۸۷۹ مسیحی هیئتی که ظاهراً یک نفر اروپایی سمت ریاست آن را داشته». (افشار، ۱۳۳۷: ۲۹۷) کتاب در سال ۱۸۸۱م در برلین به کوشش هانریش کیپرت به زبان آلمانی چاپ شده است. اعتمادالسلطنه هم در کتاب خود می‌نویسد: «سیم تلگراف ۱۲۹۶ به آنجا کشیده، از راه اصفهان به یزد و کرمان رفته». (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۶، ج: ۴: ۳۵۸)

افشار ذیل بحرین و تاریخ ۱۸۷۷م نوشته است: اشاره به زمان تألیف. (همان: ۲۲۷) در حالی که تاریخ تحریر ۱۸۷۹ درست است.

۳۷- «هدف این سفر، بررسی شرایط شهرهای تهران تا بوشهر برای تأسیس تلگرافخانه و کشیدن خطوط سیم پیام بوده است. در مسیر بازگشت، عملیات خطوط پیام به انجام می‌رسد و از اصفهان با تهران در حضور ظل السلطان صحبت می‌کنند. این سفر نزدیک به ۱۱ ماه طول کشیده است.» (شیندلر، ۱۳۹۱: ۷۸)

۳۸- برخی اظهار نظرها و اطلاعات تاریخی نویسنده درست نیست. مثلاً ذیل نطنز می‌نویسد: امامزاده زکّیه خاتون در حالی که براساس مستندات، رقیه بانو یا بی‌بی رقیه است. ذیل توران‌پشت، فاصله آن را تا یزد دو فرسخ می‌نویسد، در حالی که ده فرسخ است.

۳۹- شیندلر پیش‌تر در سال ۱۸۶۶ سال به بوشهر مسافرت کرده بود.

تحلیل

پاسخ به پرسش‌های پیش رو

۱- مردم ایران، بویژه شهرهایی که نویسنده در طول مسیر خود دیده، در چه شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی می‌کردند؟

یکی از جلوه‌های بارز این سفرنامه، مطالبی است که نویسنده درباره اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شهرها و آبادیهای مسیر خود می‌دهد که چونان تصاویر مجسمی می‌ماند که شیندلر کشیده است. این سفرنامه آکنده از این تصاویر است و چنان چه نگارنده خواسته باشد تمام آنها را بیاورد، گفتاری دراز دامن خواهد شد؛ ازینرو چند نمونه آورده می‌شود.

الف: شالبافخانه‌های کرمان

«شهر کرمان خیلی تفصیل دارد: اولاً شالباف‌خانه زیاد و پانزده هزار نفر شالباف دارد. چند جا